

کنشیم ساید او را یاری

تقدیم به
زائران که در
کنار امام
زمانشان قدم
برجی دارند

لحظه‌ای فراموش نکنیم! تجربه و خاطرات حضور در مراسم اربعین سیدالشهدا علیه السلام و پیاده روی ها و سختی ها و شیرینی ها و حال و هوای افراد در این ایام گاهی خیلی مشابه یکدیگر است. من هم مثل همه خاطراتی از جنس اربعین و پیاده روی دارم. پاهایم تاول زده بود و راه رفتن را برایم خیلی سخت می کرد و هر قدم که بر می داشتم این تاول ها بیشتر می شد و راه رفتن را سخت تر. چند روزی هم بود غذای درست و حسابی نخورده بودم، شب هم موقع خواب در داخل موکب های بین راه، به خاطر زیاد بودن جمعیت مجبور بودیم فشرده بخوابیم. ولی تمام این سختی ها، دلنشین و لذت بخش بود. تنها چیزی که باعث می شد این سختی ها شیرین و به یادماندنی شود، این حس بود که من هم دعوت شده‌ام! من هم دعوت شده‌ی سیدالشهدا هستم که الان دارم در این مسیر قدم بر می دارم و هر چه آستان محبوبم را به خود نزدیکتر می دیدم با هر قدم شوقم زیاد تر میشد. آقایی که مادرم با اشک بر مظلومیتش بزرگم کرد، پدرم بذریه محبت او رو از ابتدای زندگی روی فرش روضه ها در دلم کاشت و آرزویم شد خدمت او به نیت یک نگاهش و حالا که می بینم من هم کنار این جمعیت دعوت شده‌ام، لذت این نگاه مهربان را با هر قدمی که بر می دارم حس می کنم. در دیار محبت شرط عاشقی اینست که آرزوی محبوبت شود آرزوی

مهرورزی!

خدا را شکر که قدم‌های من و تو هم سهمی در این پناه روی دارد، خدا را شکر که دیدیم این شور و حالی که بین مردم است... چه زیباست وقتی می بینی همه با هم یکدل و یک‌رنگ‌اند، چه خوب است که ما هم توانستیم در این مسیر با تمام وجود و مخلصانه، از جانمان "محبت" را به یکدیگر هدیه کنیم و چشیدیم لذت ناب "از خود گذشتگی" را تا یک نفر که رنجور است، لبخندی بزند و قوتی تازه بگیرد. شاید اگر اینجا نبودیم این همه انسانیت و مهربانی را نمی توانستیم یکجا ببینیم و از اعماق وجود لذت ببریم. با بندبند وجودمان فهمیدیم که حس شادکردن برادر مؤمن، حس عجیبی است. اصلاً میدانی چرا این حس، اینقدر برایمان شیرین است؟ امام کاظم علیه السلام در نامه‌ای به کسی که می‌توانست گرهی از کار برادر مؤمنش بگشاید، چنین نوشتند: بدان که خداوند زیر عرش خود سایه ای دارد که فقط کسی را در آن ساکن می‌کند که به برادرش خیری اعطا کند یا مشکلی را از او حل کند یا قلب او را شاد گرداند. و این فرد برادر توست. و زمانی که او مشکل برادرش را حل کرد حضرت جواب شگفت‌انگیزی دادند و فرمودند:

« بخدا قسم او مرا مسرور کرد، امیر المؤمنین علیه السلام را شاد

تو، دلخوشی او شود دلخوشی تو، نگرانی او شود نگرانی تو و محبوب او شود محبوب تو. خوبست که یادمان باشد آن عزیزی که به شوقش هر ساله رنج سفر به جان می‌خریم و برای یک نگاه پرمهرش جان می‌دهیم، دل‌نگران است! دل‌نگران فرزندش! فرزند حسین علیه السلام همان صاحب‌عزا و صاحب‌مجلس اربعین پدر است. فرزندی که امام حسین علیه السلام هم آرزوی درک دوران‌ش را داشت، چرا که این‌گونه فرمودند: "لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَّمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي" یعنی؛ درک ایامی که من و تو در آن نفس می‌کشیم، درک کسی که امام حسین علیه السلام آرزوی خدمت به او را داشت. درک ایام کسی که امام حسین علیه السلام دل‌نگران صاحب آن است. درک دوران فرزندش مهدی!

حال که من و تو در این زمان قرار داریم! چه کنیم؟! چه کنیم که شرط محبت رو بجا آورده باشیم؟ چه کنیم که کمی از دل نگرانی امام حسین علیه السلام را از غربت و تنهایی فرزندشان بر طرف کنیم؟ اگر این پدر از تنهایی فرزندش نگران است، بیاییم امام زمانمان را تنها نگذاریم! بیاییم با دعا کردن برای او خدمتی به او کنیم، بیاییم او را لحظه‌ای فراموش نکنیم و قدردانیمان را از دعوت شدن در اربعین امام حسین علیه السلام را با دعای بر فرجش به او نشان دهیم. به امید ظهورش، عَجَلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجْ

نمود، بخدا قسم جدم پیامبر اکرم صوات خدا بر او و خاندانش را خوشحال کرد و خدا را مسرور کرد.» در این مسیر وقتی لبخندی بر لب کسی نشانیدیم یا دل او را تسکین دادیم، این خداست که مسرور می‌شود و این دل امام زمان است که شاد می‌گردد. چه چیزی از این بالاتر که امام‌زمان از این همدردی و دلداری شیعیان به یکدیگر، دلگرم شود؟ چه زیبا می‌شود که ما از این زیارت اربعین، همدردی با دیگران را به سوغات ببریم و لحظه لحظه‌ی زندگی‌مان مثل اربعین باشد؛ چرا که اگر دقت کنیم می‌بینیم که در زندگی روزمره‌ی نیز پر از فرصت‌های این چنین است؛ فرصت‌هایی که دست کسی را بگیریم، همدلی و محبت را بین شیعیان بیشتر کنیم تا هم لذت آن را در کنار هم بچشیم و هم رنگ و بوی دوران طلایی ظهور را بیشتر لمس کنیم و این بار در هر لحظه از خدا بخواهیم که فرج امام‌زمان را برساند که در ظهور اوست که زیبایی‌ها نمایان می‌شود و این یکدلی به اوج می‌رسد. کاش باشیم و ببینیم که در عصر ظهور، مردم چه قدر زیبا در کنار هم زندگی می‌کنند!

يَحَقُّ زَيْنَبُ الْكُبْرَى، عَجَلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجْ

زمانش فرارسید! خدا رو شکر... داریم جایی قدم برمی‌داریم که به خاطرش هر چه داریم رها می‌کنیم... خانواده، همسر، فرزند، خانه، کار و... همه را رها می‌کنیم، سختی و خستگی راه را به جان می‌خریم به شوق کربلا! این سفر همه چیزش بی‌نظیر است. فرصت‌هایی در این زیارت نصیب زائرین می‌شود که شاید تجربه‌اش برایشان تکرار نشدنی باشد. تجربه‌ی حس خوب همدلی و هم‌زبانی و همنشینی با جمعیتی که همه به شوق یک نگاه مهربان به راه افتاده‌اند. تجربه‌ی قدم برداشتن بر بال فرشتگان، تجربه راه رفتن بر روی خاکی که هر قدمش باری از روی دوش بر می‌دارد و بایی از لطف الهی باز می‌کند. تجربه زیبایی پاک شدن و سبک شدن از عمری بار سنگین گناه و تاریکی قلب‌ها... چه جایگاهی بهتر از این بیابان‌ها برای صدا کردن خداوند؟! این قلب سبک شده، آماده‌ی طلب کردن از درگاه الهی است و شاید فرصتی است که خدا برایمان مهیا کرده که بالاترین نعمتش را از او طلب کنیم!



منبذها

MONASEBATHA



همه چیز آماده است که اطاعت کنیم فرمایش حضرت صادق علیه السلام را که فرمودند: تا سر به بیابان نگذارید و تضرع و زاری به درگاه الهی نکنید، خداوند ظهور را محقق نمی‌کند. و این دقیقاً همان حادثه ایست که برای بنی اسرائیل اتفاق افتاد. بنی اسرائیل هم وقتی که متوجه بدبختی و غیبت پیامبرشان شدند، چهل صبح، دسته جمعی به درگاه خداوند التماس کردند تا موسی موعودشان از راه رسید. بالاترین نعمت همان است که قوم بنی اسرائیل به خاطرش خدا را با تضرع صدا زد، که ما هم بدانیم برای بهره از نعمت لذت زندگی در زمان ظهور امام زمانمان باید خدا را همانگونه صدا بزنیم. همه چیز مهیاست تا دسته جمعی دعا کنیم برای فرجش... برای ظهورش و برای سلامتی‌اش. حضور در میان زائرین سیدالشهدا و از بین رفتن گناهان و آماده شدن برای طلب کردن از خدا، نعمتی است که بی‌منت به ما داده‌اند و مصداق شکر این نعمت، بهره بردن از این فرصت بی‌مثال است. پس شب‌ها در موکب‌ها، روزها در مسیر پیاده‌روی و داخل حرم و هر جای دیگر این فرصت استثنایی را نباید از دست داد که ظهور امام غائب را از خداوند بخواهیم، نفس کشیدن در دوران ظهورش را طلب کنیم که بالاترین نعمت جز این نیست. بخوان دعای فرج را، دعا اثر دارد!